

جایگاه مرد و زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن

● دکتر عزت‌الله مولایی نیا

بخش نخست

مقدمه:

تعامل دو جنس گوناگون (زن، مرد) را به صورتی که ضامن سعادت آن دو باشد، پی‌ریزی نموده است. گرچه روابط فردی و اجتماعی زن و مرد در جای جای قرآن کریم به تناسب حال و در گونه‌های متفاوت به تصویر کشیده شده است؛ ولی در این نوشتار کوتاه، تنها یکی، دو آیه از آیه‌های مربوط به روابط حقوقی زن و مرد را - خواه در عرصه اجتماع به صورت کلان، خواه در عرصه خانواده در محدوده روابط زناشویی - مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

نخست آیه: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» (سوره نساء، آیه ۳۴)
بیش از بررسی احکام فقهی و تفسیری آیه، باید دیدگاه‌های لغت‌شناسان قرآنی و حدیث را جویا شد و واژه‌های کلیدی آن را مورد بحث و بررسی دقیق قرار داد؛ آنگاه به بررسی دیدگاه‌های مفسران و فقهای اسلامی می‌پردازیم:

دیر زمانی است که نقد و بررسی پیرامون «قیمومیت» مطلق مردان بر زنان در محافل علمی و اجتماعی، دل‌مشغولی بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران و حقوقدانان جهان بوده و از همین رهگذر نگارش‌های فراوانی را در ازای تاریخ به خود اختصاص داده و حجم بزرگی از کتابخانه‌های عالم را تشکیل داده و ارباب مکتب‌های گوناگون، پیرامون آن تلاش کرده و به نظریه خویش پافشاری و استدلال نموده‌اند.

در این راستا قرآن کریم که معجزه جاویدان رسول خاتم(ص) و تنها کتاب آسمانی تحریف نشده و تحریف‌ناپذیر عالم بوده و از سوی آفریدگار عالم برای انسان پیام داشته و با عنایت به ابعاد گسترده زندگی وی از روی علم و حکمت و مصلحت برنامه‌ریزی نموده و این مسافر ارجمند را با برنامه‌های حکیمانه‌اش مورد لطف و عنایت قرار داده و روابط وی را با خالق هستی و با هموعان خود و بالاخره با خویشتن خویش و از جمله



بررسی واژگانی آیه از نگاه لغت‌شناسان

واژه‌ها و کلمه‌های کلیدی آیه عبارت‌اند از: قوام، بما فضل الله، بما انفقوا و الرجال.

از «قوام» به معنی قیام، سه گونه برداشت می‌شود: ۱. قیام به شخص، ۲. قیام به شیء ۳. قیام بر عزم و اراده بر چیزی.

قیام به شخص یا قیام به تسخیر است و یا قیام به اختیار، و آیه «الرجال قوامون على النساء...» از همین معنی است؛ یعنی مردان، به اختیار خویش، قیام به تدبیر امور زنان می‌نمایند. «قوم» هم بر زن و هم بر مرد اطلاق می‌گردد؛ ولی در حقیقت برای مردان وضع شده، در مورد زنان مجازاً به کار می‌رود؛ به دلیل آیه «الرجال قوامون على النساء»، چرا که در برابر «نساء» به کار رفته است. ۱

قام الامر، یعنی کار متعادل شد. قام الرجال المرأة، یعنی مرد به زن مؤونه (خرجی) داد و در راه انجام کارهای او برخاست.

«القوام» - با فتح ق - کشداد قوام به معنی محکم بودن و استواری است. به فرد از آن جهت خوش قامت می‌گویند که اندام استوار و متعادلی دارد و برای انجام کارها تواناست یا به کسی که برای مدیریت و ریاست شایسته باشد، می‌گویند: امیر قوامون، جمع قوام است. ۲

قوام الامر بالكسر: نظامه و عماده: قوام چیزی یعنی پایه و بنیاد آن. فلانی قوام خاندان خویش است، یعنی بزرگ و ریشه آنهاست و هم اوست که اداره و ساماندهی خاندانش را بر عهده دارد. وقتی خداوند می‌فرماید: «ولا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً...» سرمایه‌هایتان را که خداوند اساس زندگی‌تان قرار داده، به دست نادانان نسپارید...». (سوره نساء، آیه ۵) به همین معنی تفسیر شده است. و قوام الامر: ملاکه الذی یقوم به ۳ قوام کار؛ یعنی ملاکی که این کار با آن انجام می‌شود. همچنین قوام بمعنی ولایت امر، ولی امر کسی بودن نیز آمده است. ۴

گاهی، «قیام» به معنی «محافظة» و اصلاح آمده و «قوامون» در «الرجال قوامون على النساء...» به همین معنی یعنی محافظ و اصلاحگر شأن زنان تفسیر شده است. همانگونه که در آیه «...الاما دمت علیه قائماً...». (سوره

آل عمران، آیه ۷۵) به همین معنی بیان شده است. ۵
«قوم» در اصل مصدر بوده و بر اثر کثرت استعمال، اختصاص به مردان یافته است، چرا که مردان در اموری که زنان در آن کارایی ندارند، قوام و ولی آنان می‌باشند. ۶

و «قیم» یعنی آقا، سید، سرور، سرپرست و سیاست‌گذار امور، «قیم المرأة زوجها؛ سرپرست زن، شوهر اوست». برای اینکه شوهر، همه نیازهای همسرش را فراهم کرده و عهده‌دار تدبیر و مدیریت شؤون وی می‌باشد. ۷

فراء لغت‌شناس معروف «قیم» را بر وزن «فعلیل» از ماده «قوم» و «قوام» را بر وزن «فعلال» گرفته و معتقد است که در زبان عرب بر وزن «فعلیل و فیعال» نیامده است و لکن دیدیم که ابن اثیر جزری و همچنین سیبویه، مخالف این نظر بودند و قوام را متکفل و سرپرست امور زبردستان می‌دانستند.

مرحوم طریحی نجفی، لغت‌شناس معروف شیعی، در کتاب مجمع‌البحرین در تفسیر «قوامون» می‌گوید: مردان بر زنان حق ولایت و حکومت و سرپرستی داشته و صاحب اختیار آنان می‌باشند و دلیل این حق ولایت و حاکمیت دو چیز است:

۱. موهبت فطری است که از جانب پروردگار عالم به وی ارزانی شده و در امور فراوانی بر زنان برتری پیدا کرده است، از قبیل: کمال عقل، حسن تدبیر امور، قدرت جسمی و روحی در عرصه‌های گوناگون علمی و عبادی؛ از همین رهگذر مقام شامخ نبوت و رسالت و امامت جامعه، ولایت امر مردم، اقامه حدود و شعائر، جهاد در راه خداوند، پذیرش شهادت وی در همه موارد، فزونی در ارث، دیه و... از آن مردان شده است.

۲. اکتسابی است؛ چرا که مردان عهده‌دار نفقه زنان، مهر و یا اجرت آنان هستند با آنکه بهره ازدواج از آن هر دو می‌باشد. ۸

و حرف «با» در «بما فضل الله» و «بما انفقوا» بای سببیت و کلمه «ما» مصدریه است؛ یعنی خداوند عالم به سبب برتری‌های ذاتی موهبتی و اکتسابی مردان، سرپرستی و زمام امور زنان را در عرصه‌های اجتماعی و فردی خواه در جامعه، خواه در روابط زناشویی را به آنان سپرده است. ۹

دیدگاه‌های میدان داران تفسیر قرآن کریم در مورد شأن نزول آیه؛ «الرجال قوامون على النساء»
شأن نزول:

نقش شأن نزول آیات از دیر زمان در فهم صحیح مقاصد و ارتباط آن با درک درست مفاهیم آیات، نظر دانشمندان و قرآن‌پژوهان اسلامی را به خود جلب کرده و همگان بعنوان یکی از ابزارها و راه کارهای مهم و نقش‌آفرین به آن نگریسته‌اند.





حسن بصری، قتاده، ابن جریج، سدی، زهری، سفیان ثوری، مقاتل، هشام کلبی، ابوزرق، مجاهد، علی بن ابی طلحه عطاء، و... داستانی را گزارش نموده‌اند که بر پایه آن، آیه مذکور در مورد زن ناشزه‌ای که به دلیل نشوز، از طرف همسرش مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، پدر وی به همراه او به محضر رسول خدا (ص) رسید و از داماد خویش شکایت کرد و خواستار قصاص شد، آنگاه آیه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِیماً كَبِیراً» فرود آمد و حکم مسأله را روشن کرد و قصاص این موارد را در روابط زناشویی زن و مرد، در صورتی که به دلیل نشوز، مرد زنش را تنبیه تأدیبی کرده باشد، برداشت و فرمود: مردان در تدبیر امور و تأدیب، تعلیم و سرپرستی امور زنان بر آنان ولایت، حاکمیت و سلطنت دارند. و زهری گفته است: میان مرد و زنش در جنایات کمتر از قتل، قصاصی نیست. ۱۰

البته این مسأله خود جای بحث دارد و نظر فقهای مذاهب اسلامی درباره مردی که بر اثر استمتاع مشروع از همسرش، وی را دچار آسیب کند، در صورت عدم تفریط، دیه ندارد و قطعاً قصاص هم ندارد و تنبیه بدنی در صورت نشوز زن با رعایت اصول، به دلیل مشروع بودنش، قصاص ندارد. ۱۱

بنابراین گزارش، شان نزول آیه، با تعریف لغت‌شناسان از واژه قوامون سازگاری کامل دارد، مرحوم طبرسی ضمن گزارش بیانات شیخ طوسی می‌گوید: «والمعنی؛ ای الرِّجَالُ قِیْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ مَسْلُطُونَ عَلَیْهِنَّ فِی التَّدْبِیْرِ وَالتَّأْدِیْبِ وَالرِّیَاضَةِ وَالتَّعْلِیْمِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ». آنگاه می‌گوید: این بیان، سبب و علت تولیت و حاکمیت مردان بر زنان است. ۱۲

برخی از مفسران ملاک در توجیه برتری و حاکمیت و ولایت مردان بر زنان آن به اموری اشاره کرده‌اند که در ذیل بیان می‌شود:

۱. یکی از ملاک‌های برتری، جنبه عقلانیت مردان است که از زنها قویتراند، چنانکه جنبه عواطف و احساسات زنان برتر از مردان است.

۲. ملاک برتری فزونی مردان در بعد یقین و باور دینی است، چرا که زنان از نظر خردمندی و دیانت دارای نقصانند.

۳. شهادت مردان در محاکم قضایی در همه موارد حقوقی پذیرفته می‌شود، در حالی که شهادت زنان در بسیاری از موارد به تنهایی پذیرفته نیست.

۴. ارزش شهادت دو زن در موارد پذیرفته شده، معادل شهادت یک مرد است. ۱۳

۵. حق تصرف در اموال و تجارت، برای مردان است؛ اما زنان حتی در اموال خویش هم بهتر است که از شوهر اذن بگیرند، چرا که او قیم، سرپرست و ولی اوست.

۶. جهاد بر مردان واجب می‌شود و زنان از آن معاف هستند فرمود: «انفروا خفاً واثقلاً وجاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل اللّٰه...». (سوره توبه، آیه ۴۱) و اما به زنان دستور نشستن در خانه داد و فرمود: «وقرن فی بیوتكن...». (سوره احزاب، آیه ۳۳)

۷. اختصاص جمعه و جماعت بر مردان و معفو بودن زنان. ۱۴

۸. وجوب مهر و نفقه بر مردان که باید به زنان بپردازند
۹. مردان حق گرفتن چهار زن را دارند و زنان تنها می‌توانند یک شوهر داشته باشند. در همین رابطه فرمود: «... فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة...». (سوره نساء، آیه ۳)

۱۰. حق طلاق هم در اختیار مردان قرار دارد و به همین دلیل در قرآن در هفت مورد مردان را درباره طلاق مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن» ۱۵ و در برابر آن، عده، بر عهده زنان نهاده شده است. ۱۶

۱۱. فزونی مردان در ارث و دیه.

۱۲. اختصاص رسالت، نبوت، امامت، خلافت و حکومت دینی بر مردان؛ چنان که در درازای تاریخ ادیان آسمانی، هیچگاه زنی تولیت این مناصب را بعهده نداشته؛ بلکه از مجموع آیات و روایات خلاف آن استفاده می‌گردد.

۱۳. یکی از نیازهای طبیعی و فطری زنان، نیازمندی آنان به سرپرستی، ولایت، حاکمیت و قیمومیت مردان می‌باشد و از همین رهگذر است که رسول خدا (ص) فرمود: زنان بی‌شوهر، مسکین و بی‌چاره‌اند، گرچه دارای فراوانی هم داشته باشند ۱۷ و سپس آیه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» را قرائت فرمود. قرائت این آیه، به دنبال آن حدیث، دلیل است بر اینکه قیمومیت مردان بر زنان بر پایه نیاز طبیعی، فطری، اجتماعی و روحی زنان است، این زنانند که از این جهت به قیمومیت و سرپرستی مردان نیاز شدید

دارند و قرآن در دفاع از حقوق زنان، این قانون حکیمانه را تشریح فرموده است.

۱۴. رسول خدا(ص) یکی از صفات و خصلتهای نیکوی زنان را، اطاعت و فرمان برداری از دستورات شوهران خود می‌داند و می‌فرماید: بهترین زنان، زنی است که چون نگاهش کنی، باعث خشنودیت باشد و اگر دستورش دادی، فرمان برد و در غیابت پاسدار اموال، ناموس، آبرو و شرف تو باشد؛ آنگاه آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را در تأیید فرمایش خویش قرائت فرمود. ۱۸

۱۵. توان بالای مدیریتی، تدبیر اندیشی امور اجتماعی و فردی، برتری نیروی فیزیکی و روحی در برابر کارها و سخت کوشی در میدان عبادت و خودسازی در مردان، عامل قیمومیت آنان بر زنان می‌باشد.

۱۶. در گزارشی از رسول خدا(ص) برتری مردان بر زنان، چون برتری آسمان بر زمین و آب نسبت به زمین شمرده شده و حیات و شادابی و نشاط و باروری زنان به وجود مردان نسبت داده شده؛ چنانکه زمین با وجود آب، حیات و زندگی می‌یابد، اگر مردان نبودند، زنان آفریده نمی‌شدند، آنگاه آیه «الرجال» را خواندند و فرمودند: آیا نمی‌بینید که زنان بر اثر عادت ماهانه، همیشه توان عبادت ندارند. ۱۹ و طنطاوی جوهری شیخ الازهر مصر می‌گوید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ»؛ یعنی مردان به منزله ولات و حاکمان و زنان به منزله رعیت و ملت می‌باشند. ۲۰

پی‌نوشت‌ها:

۱. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان داودی ص ۶۹۲ - ۶۹۳.
۲. اقرب الموارد، ماده قوم.
۳. صحاح اللغة، اسماعیل جوهری. ط. مصر. ۱۹۸، ماده «قوم».

۴. اساس البلاغه، زمخشری، ماده قوم. ص ۳.

۵. لسان العرب، ابن منظور مصری، ماده «قوم»

۶. تاج العروس، زبیدی ماده «قوم» القوم فی الاصل مصدر «قام» ثم غلب علی الرجال دون النساء و سماوا بذلك لا نهم قوامون علی النساء بالامور التي للنساء ان یقمن بها. و قال الجوهری: «و منه لا یسخر قوم من قوم... ولا نساء من نساء» (سوره حجرات، آیه ۱۱) همان.

۸. مجمع الجریں، طریحی نجفی (ت ۱۰۸۵ هـ.ق) ج ۱۴۲/۶، ط تهران، ناصر خسرو مکتبه المرتضویه (۱۳۹۵ هـ) و تاج العروس فی شرح القاموس. ماده «قوم»

۹. همان.

۱۰. تفسیر التبیان، شیخ الطائفه طوسی ت ۴۶۰ هـ.ق ج ۱۸۹/۳.

بیروت، داراحیاء التراث العربی.

«و كان الزهری یقول: «الیس بین الرجل و امراته فیما دون النفس قصاص». شأن نزول آیه را اکثر مفسران اسلامی به همین شکل گزارش کرده‌اند. رجوع شود به تفسیر مجمع البیان، فضل بن حس طبرسی ج ۳ ص ۷۵ - بیروت، دارالفکر (۱۴۱۴ هـ) و تفسیر ابی الفتوح رازی ج ۱/۷۶۰ - ۷۶۱، تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج ۱، تفسیر الصافی ج ۱-۳۵۳ ط الاسلامیه (۱۳۸۴ هـ.ق)، منهج الصادقین ج ۱/۳۸۱، چاپ سنگی (۱۲۹۶ هـ.ق) فی تفسیر القرآن ج ۲۲۶/۱، (۱۲۹۵ هـ.ق)، چاپ سنگی، والجواهر فی تفسیر القرآن طنطاوی ج ۲/۳۹۲، بیروت دارالفکر، و تفسیر الطبری ج ۳۷/۴، بیروت درالمعرفه تفسیر الکشاف ج ۱/۵۰۶، افسست ایران، تفسیر ابن کثیر ج ۱/۴۹۱-۴۹۲. الدر المنسور ج ۱/۱۵۱. چاپ بیروت و تفسیر ابن عباس در حاشیه الدر المنسور ج ۱/۲۵۳ و تفسیر بیضاوی ج ۱/۱۲۱ و تفسیر فخر رازی ج ۱/۸۲ و غرائب القرآن نظام نیشابوری در حاشیه تفسیر طبری ج ۳۷/۴. تفسیر الخازن، علاالدین بغدادی ج ۱/۶۳۲ ط. مصر. احکام القرآن قرطبی. ج ۱/۱۶۸. ط بیروت داراحیاء التراث العربی روح المعانی آلوسی ۲۰/۵ ط دارالتراث العربی.

۱۱. در صورتی که بالاتر از حد مجاز باشد قصاص و یا دیه خواهد داشت. رجوع شود به شرح لمعه شهید ثانی در بحث نکاح و قصاص.

۱۲. مجمع البیان. همان.

۱۳. رجوع شود به کتاب، شهادت، حدود، اقرار شرح لمعه و قانون مدنی، جزایی.

۱۴. رجوع شود به تحریر الوسیله، امام خمینی - رضوان الله علیه - کتاب الصلوه در صلاه الجماعه و الجمعة.

۱۵. الطلاق / ۱. و جریان طلاق در سوره‌های بقره / ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۲، ۲۳۱. احزاب / ۴۹. تحریم. ۵. بقره ۲۴۱، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰ مطرح شده و در همه این آیات، عده طلاق به دست مرد و اختیار او نهاده شده و قانون مدنی نیز حق طلاق را به مرد داده، مگر آن که زنان در ضمن عقد، اختیار طلاق را به عنوان وکیل مرد اخذ نمایند.

۱۶. رسول خدا می‌فرماید: الطلاق بالرجال والعده بالنساء.

۱۷. قال(ص): «المراه مسکینه مالم یکن لها زوج، قالوا: یا رسول الله و ان کان لها مال؟! قال(ص): و ان کان لها مال، ثم قرء: «الرجال قوامون علی النساء...».

۱۸. قال(ص): «خیر النساء التي اذا نظرت اليها سرتک، و اذا امرتها اطاعتک و اذا غبت عنها حفظتک فی مالک و نفسها ثم قرء قوله تعالی: الرجال قوامون...».

۱۹. همان.

۲۰. طنطاوی، جوهری، پیشین، ج ۳۹/۲.

